

# کتاب دانیال - شماره یکصد و چهل و سه

پرده برداری از الگوهای پیش‌گویانه: آخرین رئیس‌جمهور و تصویر وحش

Jeff Pippenger

2024-03-18

نخستین پادشاهی مطرح در پیشگویی‌های کتاب مقدس، بابل بود و در گزارش‌های نبوی مربوط به بابل، پادشاه نخست و پادشاه آخر به‌طور مشخص و هدفمند به‌عنوان نمادهای نبوی به‌کار گرفته شدند. در پادشاهی دوم ماد و پارس، دو پادشاه نخست — که یکی از آنان فرمان نخست از سه فرمانی را صادر کرد که به اسرائیل باستان اجازه بازگشت به اورشلیم می‌داد — و نیز دو پادشاه پس از آنان که فرمان دوم و سوم را صادر کردند، به‌طور مشخص معرفی شده‌اند. همچنین، پادشاه نیرومندی که اسکندر مقدونی نماینده اوست، و سرداران و پادشاهانی که پس از او در تاریخ پادشاهی سوم یونان آمدند، در کلام نبوی مشخص شده‌اند. پادشاهی چهارم روم بت‌پرست به‌طور مشخص فرمانروایان و امپراتوران آن پادشاهی را مورد خطاب قرار می‌دهد.

تمام پادشاهان اسرائیل، چه در پادشاهی شمالی و چه در پادشاهی جنوبی، مشخص شده‌اند، و همگی در کلام نبوتی خدا نمادهایی‌اند؛ همچنان‌که پادشاهان آشور و فراعنه مصر نیز چنین‌اند. این اندیشه که کلام نبوتی خدا در واقع به رؤسای جمهور ایالات متحده خطاب کند، ممکن است برای کسانی که چشم دارند اما ادراک نمی‌کنند، و گوش دارند اما نمی‌فهمند، دور از ذهن بنماید. اما در حقیقت، این که بپنداریم خدا رؤسای جمهور وحش زمین مکاشفه‌سیزده را مورد خطاب قرار خواهد داد، نامعقول‌تر است، در حالی که همان، نقطه ارجاع اصلی نبوت‌های ایام آخر است.

به‌ضرورت نبوی، پیش‌نمونه آخرین رئیس‌جمهور ایالات متحده، نخستین رئیس‌جمهور ایالات متحده می‌بود. به‌عنوان آخرین رئیس‌جمهور جمهوری‌خواه، به‌ضرورت نبوی، پیش‌نمونه‌اش نخستین رئیس‌جمهور جمهوری‌خواه می‌بود. به‌عنوان آخرین رئیس‌جمهور در تاریخ جنبش اصلاحی نهایی، همچنین پیش‌نمونه‌اش نخستین رئیس‌جمهور آن دوره نبوی بوده است. و به‌عنوان رئیس‌جمهوری که در خلال جنگ جهانی سوم و نهایی حکومت می‌کرد، پیش‌نمونه‌اش نیز رؤسای می‌بودند که در خلال جنگ‌های جهانی اول و دوم حکومت کردند.

سه جنگ جهانی که همگی در تاریخ آمریکا رخ می‌دهند، نمایانگر تطبیق سه‌گانه نبوت‌اند. جنگ جهانی سوم، که جو بایدن اکنون کره زمین را بدان سوق می‌دهد، پیش‌تر به‌وسیله جنگ‌های جهانی اول و دوم تمثیل یافته است. در همان حال، بایدن ایالات متحده را به سوی جنگ داخلی دوم سوق می‌دهد. در ماه‌های پیش رو، جنبش‌های نبوی مرتبط با جنگ داخلی دوم و جنگ جهانی سوم فقط تشدید خواهند شد، همچون زنی در مخاض.

نقل قول مشهور از دوران تشدید بحران جنگ جهانی دوم، از مارتین نيمولر، الهی‌دان آلمانی و کشیش لوتری، چنین بود: «نخست، به سراغ سوسیالیست‌ها آمدند، و من سخنی نگفتم—زیرا سوسیالیست نبودم. سپس به سراغ اعضای اتحادیه‌های کارگری آمدند، و من سخنی نگفتم—زیرا عضو اتحادیه‌های کارگری نبودم. سپس به سراغ یهودیان آمدند، و من سخنی نگفتم—زیرا یهودی نبودم. آنگاه به سراغ من آمدند—و دیگر کسی نمانده بود که برای من سخن بگوید.» هرچه زمان به پیش می‌رود، به این تاریخ کنونی بازخواهیم نگرست و درخواهیم یافت که اقداماتی که اکنون در حال وقوع‌اند، در حقیقت نخستین گام‌های جنگ‌های واپسین تاریخ نبوتی بودند.

در دوره پیش‌گویانه‌ای که از ۱۷۷۶ تا ۱۷۹۸ را در بر می‌گیرد و در آن اعلامیه استقلال، قانون اساسی و قوانین بیگانگان و فتنه‌انگیزی نشانه‌های راه بودند، تاریخ از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تا زمانی که ایالات متحده همچون اژدها سخن بگوید بازنمایی می‌شود. ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نقطه عطفی بود و اعلامیه استقلال با آن تاریخ منطبق است. اعلامیه استقلال همچنین جنگ انقلابی را مشخص می‌کند و بیان می‌دارد که قانون پاتریوت ۲۰۰۱ آغازگر تکرار معنوی آن جنگ است. واژه "revolution" به معنای یک دور کامل زدن است.

در دوره ۱۷۷۶ تا ۱۷۹۸، جنگ انقلابی قدرت شاهانه انگلستان و به‌طور کلی همه شاهان را رد کرد. قانون اساسی نه تنها بر قدرت شاهانه محدودیت‌هایی وضع کرد، بلکه با همان قاطعیت بر قدرت پاپی نیز محدودیت نهاد. تا سال ۱۷۹۸، چرخه (انقلاب) با تصویب قوانینی که به یک رئیس‌جمهور اقتدار شاهانه اعطا می‌کرد، کامل شده بود.

قانون پاتریوت نشانگر انقلابی (یک چرخ) است که به وحش زمین که چون اژدها سخن می‌گوید می‌رسد، جایی که قدرت پاپی نیز احیا می‌شود. چرخ نخست از ۱۷۷۶ تا ۱۷۹۸ انقلابی پیش‌گویانه را مشخص می‌کند که به احیای قدرت پادشاهی می‌انجامد، و انقلابی که آن چرخ نمونه‌اش است، انقلابی را مشخص می‌کند که به احیای قدرت پاپی می‌انجامد. جنگ انقلابی دوم از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در جریان است. وگرنه چرا باید آن را قانون پاتریوت بنامند؟

پیش از آنکه به جنگ‌هایی که در تاریخ آخرین رئیس‌جمهور رخ می‌دهد بپردازیم، به بررسی خصایص نبوی تمثال وحش ادامه خواهیم داد. شناخت بستر شکل‌گیری تمثال وحش در دوران آخرین رئیس‌جمهور اهمیت دارد. آن رئیس‌جمهور باید رئیس‌جمهوری جمهوری خواه باشد که در ستیز با نیروهای وابسته به قدرت اژدهاست. او باید آخرین باشد، و از این‌رو در دوره‌ای متشکل از هشت رئیس‌جمهور، هشتمین رئیس‌جمهور باشد. در دو دوره آغازین ایالات متحده، یعنی دو کنگره قاره‌ای، هر دو دوره، هر یک هشت رئیس داشتند، و در هر دو دوره یکی از آن هشت رئیس «از آن هفت» شناخته شد. از این‌رو، بر اساس دو شاهد در آغاز، آخرین رئیس‌جمهور باید هشتمین رئیس‌جمهور باشد، که «از آن هفت» است.

تنها دونالد ترامپ این عناصر نبوی را تحقق می‌بخشد. برای درک کامل فضای نبوی‌ای که دونالد ترامپ قرار است به ارث ببرد، لازم است درک کنیم که از منظر نبوی، دو جنگ جهانی نخست در جنگ جهانی سوم بازنمایی می‌شوند و ویژگی‌های نبوی آن جنگ‌ها نیز از فضایی سخن می‌گویند که ترامپ قرار است به ارث ببرد. با این حال، ما هنوز اصل کاربرد سه‌گانه درباره سه جنگ جهانی را اعمال نمی‌کنیم.

جنگ‌افروزی فزاینده‌ای که اسلام به همراه می‌آورد و مشکلات مالی در پی آن، وسیله‌ای است که به واسطه آن اسلام وای سوم نقش نبی کاذب را در شکل‌گیری تصویر وحش در ایالات متحده آمریکا ایفا می‌کند. "اللاغ"، که نبی کاذب اسلام است، نبی کاذب ایالات متحده را به "اورشلیم" می‌برد، چنان‌که اللاغ مسیح را به اورشلیم برد. در آن سفر، محیطی نبوی پدید می‌آید که موجب تحقق پیشگویی‌های گذشته می‌شود. در سال ۱۷۹۸، قوانین بیگانگان و فتنه‌انگیزی در همان آغاز تاریخ وحش زمین، که چون بره آغاز می‌کرد و سرانجام چون اژدها سخن می‌گفت، "بر زبان رانده" شدند. در قوانین بیگانگان و فتنه‌انگیزی چهار مصوبه وجود داشت.

قانون اعطای تابعیت: این قانون مدت اقامت مورد نیاز برای کسب تابعیت آمریکا را افزایش داد.

قانون دوستان بیگانه: این قانون به رئیس‌جمهور اختیار می‌داد تا در زمان صلح، غیرشهروندانی را که «برای صلح و امنیت ایالات متحده خطرناک» تلقی می‌شدند، اخراج کند. این قانون به دولت اجازه

می‌داد بدون رعایت روند دادرسی قانونی، اتباع خارجی را بازداشت و اخراج کند.

قانون دشمنان بیگانه: این قانون به رئیس‌جمهور اختیار می‌داد در زمان جنگ هر شهروند مرد یک کشور متخاصم را بازداشت و از کشور اخراج کند.

قانون فتنه‌انگیزی: جنجالی‌ترین آن چهار قانون، قانون فتنه‌انگیزی انتشار نوشته‌های دروغین، افتراانگیزی یا بدخواهانه علیه دولت ایالات متحده یا مقامات آن را جرم‌انگاری کرد. این قانون عملاً انتقاد از دولت را جرم‌انگاری کرد.

کارزار انتخاباتی دونالد ترامپ تا حد زیادی بر پایه وعده‌اش برای به پایان رساندن «ساخت دیوار» است که در دوره قبلی‌اش به‌عنوان رئیس‌جمهور آغاز کرده بود. او اعلام کرده است که وقتی در سال ۲۰۲۴ انتخاب شود، بزرگ‌ترین عملیات اخراج در تاریخ بشر رخ خواهد داد. ترامپ ویژگی شخصی‌ای دارد که در صحنه سیاست آمریکا در میان هیچ سیاستمدار دیگری نظیری ندارد. او به وعده‌های انتخاباتی‌اش عمل می‌کند، یا دست‌کم تلاش می‌کند به آن‌ها عمل کند. قوانین «بیگانگان و فتنه‌انگیزی» نمونه قوانینی هستند که کاملاً با وعده او درباره اخراج‌ها هم‌راستا هستند.

یکی از بزرگ‌ترین اتهام‌هایی که ترامپ به ساختار سیاسی ریشه‌دوانده واشینگتن دی‌سی - که آن را «باتلاق» نامید - با همه سیاستمداران فاسد، غیراخلاقی و سازش‌کارش، بوروکرات‌های حرفه‌ای، آژانس‌های حروف اختصاری و سرمایه‌داران میلیاردر نسبت می‌دهد، «اخبار جعلی» است؛ اخباری که توسط تجلی امروزی «وزارت رایش هیتلر برای روشنگری عمومی و تبلیغات» تولید می‌شود؛ تجلی‌ای که امروزه «رسانه‌های جریان اصلی» یا MSM نام دارد. «قوانین بیگانگان و فتنه‌انگیزی» نمونه قوانینی‌اند که کاملاً با نفرت او از «اخبار جعلی» همسو هستند. عیسی همیشه پایان هر چیز را با آغاز آن نشان می‌دهد.

اولین رئیس‌جمهور جمهوری خواه مجبور شد با جنگ داخلی‌ای که بیوکانن، سلف دموکرات لینکلن، به وجود آورده بود، مواجه شود. در این میان، لینکلن حق هابیاس کورپوس را معلق کرد. هابیاس کورپوس اصلی حقوقی است که از حق فرد برای به چالش کشیدن بازداشت یا زندانی‌شدنش در دادگاه حمایت می‌کند. این حقی بنیادین در حقوق است که تضمین می‌کند کسی بدون دلیل قانونی در بازداشت نگه داشته نشود. وقتی به نمایندگی از یک بازداشتی دادخواست هابیاس کورپوس ارائه می‌شود، دولت باید در دادگاه برای بازداشت او توجیه ارائه کند.

در جریان جنگ داخلی آمریکا، لینکلن حکم هابیاس کورپوس را در برخی مناطق ایالات متحده به‌عنوان اقدامی در زمان جنگ به حالت تعلیق درآورد. او نخست در آوریل ۱۸۶۱ در مریلند حکم هابیاس کورپوس را معلق کرد و سپس دامنه این تعلیق را به بخش‌هایی از غرب میانه گسترش داد. این اقدام برای حفظ نظم و سرکوب مخالفت در مناطقی که گرایش‌های شدید جدایی‌طلبانه یا همدلی با کنفدراسیون (دموکرات‌ها) وجود داشت و برای جلوگیری از مداخله در تلاش جنگی اتحادیه انجام شد.

تعلیق هابیاس کورپوس از سوی لینکلن بحث‌برانگیز بود و پرسش‌های مهم قانون اساسی را برانگیخت، زیرا مستلزم تعلیق موقت یکی از آزادی‌های بنیادین مدنی تضمین‌شده توسط قانون اساسی ایالات متحده بود. قانون اساسی اجازه تعلیق حکم هابیاس کورپوس را «هنگامی که در موارد شورش یا تهاجم، امنیت عمومی اقتضا کند» می‌دهد (ماده اول، بخش نهم).

لینکلن از اقدامات خود دفاع کرد و آنها را برای حفظ اتحادیه و امنیت ملی در زمان جنگ ضروری می‌دانست. کنگره در سال ۱۸۶۳ قانون تعلیق هابیاس کورپوس را تصویب کرد که به صورت عطف به ماسبق تعلیق هابیاس کورپوس از سوی لینکلن را مجاز دانست و برخی رویه‌ها را برای بازداشت نظامی مقرر کرد. هابیاس کورپوس به تدریج در سال‌های پس از جنگ داخلی، با پایان یافتن

درگیری، دوباره برقرار شد و کشور به حالت صلح بازگشت.

در سال ۱۸۷۱، رئیس‌جمهور یولیسیس اس. گرانت (یک جمهوری‌خواه) نیز در نه شهرستان کارولینای جنوبی، در جریان حکومت وحشت کوکلاکس کلان (دموکرات‌ها) در دوران بازسازی، حق‌هابیاس کورپوس را معلق کرد. این تعلیق با هدف مقابله با خشونت و حفاظت از حقوق مدنی آفریقایی-آمریکایی‌های تازه آزادشده انجام شد.

در سال ۱۹۴۲، رئیس‌جمهور فرانکلین دی. روزولت (یک دموکرات)، در جریان جنگ جهانی دوم، فرمان اجرایی ۹۰۶۶ را امضا کرد که جابه‌جایی اجباری و بازداشت آمریکاییان ژاپنی‌تبار ساکن ساحل غربی آمریکا را مجاز می‌کرد. هرچند این اقدام به‌طور فنی‌هابیاس کورپوس را معلق نکرد، اما به بازداشت آمریکاییان ژاپنی‌تبار بدون رعایت تشریفات قانونی انجامید و حقوق قانونی آنان به شدت پایمال شد.

سپس در سال ۲۰۰۱، بوش آخر (یک جمهوری‌خواه جهانی‌گرا)، پس از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر، مجوز بازداشتِ مظنونان به رزمندگی در صف دشمن در خلیج گوانتانامو و تأسیسات دیگر را صادر کرد. بازداشت این افراد و وضعیت حقوقی آنان به موضوع چالش‌های حقوقی مرتبط با هابیاس کورپوس تبدیل شد.

سپس در سال ۲۰۲۱، محاکمه‌های ۶ ژانویه پلوسی (یک دموکرات)، ادامه‌دهنده ایده تعلیق هابیاس کورپوس، حذف روند دادرسی قانونی، و اجرای بازداشتِ خلاف قانون اساسی بودند. محاکمه‌های پلوسی در سال ۲۰۲۱ از این جهت متمایز بودند که برای نخستین بار حقوق قانونی شهروندان آمریکایی صرفاً برای اهداف سیاسی کنار گذاشته شد. در سایر موارد، همواره جنگ یا شورش واقعی وجود داشت که دشمنان مشخصی را تعیین می‌کرد. دشمنان در محاکمه‌های پلوسی صرفاً دشمنان جهانی‌گرایان الهام‌گرفته از اژدها بودند. شناخت روند پیش‌گویانه مسائل مرتبط با برهم‌زدن قانون اساسی مهم است، زیرا این‌ها همان رویدادهایی هستند که شکل‌گیری تصویر وحش را نشان می‌دهند؛ همان آزمون بزرگ برای قوم خدا.

مهم نیست که پلوسی قهرمان زن شماسست یا ترامپ قهرمانتان؛ مهم این است که فرا رسیدن بحران را دریابید و تدارک لازم را ببینید. کسانی که در بحران پیش رو پیروز می‌شوند، شهروندان اورشلیم آسمانی‌اند، و همه قدرت‌هایی که از شریعتِ خدا رویگردان شده‌اند، در حالی که تمثال وحش شکل می‌گیرد، بر ضد فرزندان وفادار خدا در شرف متحد شدن هستند؛ چنان‌که صدوقیان (دموکرات‌ها) و فریسیان (جمهوری‌خواهان) متحد شدند.

عمل فریبکاری از سوی نبی دروغین اسلام در ایالات متحده یا پروتستان‌تیسیم مرتد در جهان، همان چیزی است که به اتحاد کلیسا و دولت منتهی می‌شود. خواهر وایت تصریح می‌کند که جنگ داخلی دیگری رخ خواهد داد و اینکه این جنگ به‌وسیله بانکداران جهانی و میلیاردرها، که بازرگانان بابل مدرن‌اند و بنا بر نبوت نیمی از نمایندگان قدرت‌های اژدها به شمار می‌روند، برپا خواهد شد. نیمه دیگر را سیاستمداران حرفه‌ای، وکلا، پادشاهان و حاکمان تشکیل می‌دهند.

«در هند، چین، روسیه و شهرهای آمریکا، هزاران مرد و زن از گرسنگی جان می‌دهند. ثروتمندان، چون قدرت را در اختیار دارند، بازار را کنترل می‌کنند. هرچه بتوانند را به قیمت‌های پایین می‌خرند و سپس با قیمت‌های بسیار بالاتر می‌فروشند. این به معنای گرسنگی برای طبقات فقیرتر است و به جنگ داخلی خواهد انجامید.» Manuscript Releases، جلد ۵، ۳۰۵.

جنگ استقلال آمریکا جنگی واقعی، به معنای حقیقی کلمه، بود؛ اما نمایانگر جنگی سیاسی بود که در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز شد. ایالات متحده اکنون ملتی است که میان دو حزب سیاسی دوپاره شده است؛ اما کلام خدا هرگز باطل نمی‌گردد، و کلام او دلالت می‌کند بر این‌که ترامپ در انتخابات ۲۰۲۴ بار دیگر

انتخاب خواهد شد. جنگی داخلی که، در عمل، از همین اکنون آغاز شده است، اندکی پس از انتخاب او به طور جدی آغاز خواهد شد، چنان که با لینکلن، نخستین رئیس جمهور جمهوری خواه، نیز چنین شد. منطق زیربنایی جنگ داخلی ای که او به ارث خواهد برد، به دست بانکداران جهانی و بازرگانان میلیاردر بر ساخته خواهد شد؛ کسانی که، در کنار امور دیگر، بی وقفه برای گشودن در مهاجرت انبوه مهار نشده در سراسر جهان کوشیده اند، تا حرص خود را برای سودهای مالی بیشتر دامن بزنند و، مهم تر از آن، طبقه متوسط را از میان بردارند. بازرگانان بابل در پی آن اند که نظامی دوطبقه، متشکل از ابرثروتمندان و ابرفقرا، پدید آورند.

ترامپ همان رئیس جمهوری خواهد بود که ریاست برپایی صورت وحش را برعهده خواهد داشت، و این نبی کذاب اسلام خواهد بود که وادار می کند آن صورت برپا گردد، و برای آنان که چشم دارند و درمی یابند، و گوش دارند و می فهمند، حمله اسلام در هفتم اکتبر ۲۰۲۳ در چهارچوب وای سوم بر اسرائیل جسمانی، آن سرزمین مجید باستانی، تحقق آشکار کار مشیتی نبی کذاب اسلام است.

حزب دموکرات، که خود را به عنوان حزب «تنوع، برابری و شمول» معرفی می کند، اکنون دارد میوه های فلسفه شیطنانی ای را که ترویج کرده اند درو می کند. از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ تاکنون، جدال میان مخالفان اسرائیل و حامیان اسرائیل، با نزدیک شدن به انتخابات ۲۰۲۴، در حال شکاف انداختن در قدرت سیاسی حزب شان است. این شکاف به اندازه ای به درگیری های درون گروهی در میان پیروان شان انجامیده که دستگاه های رای گیری الکترونیکی فاسدشان شاید دیگر توان دست کاری به اندازه کافی آرا برای غلبه بر آرای واقعی ای را که به ترامپ ریخته خواهد شد، نداشته باشند. جنگ افروزی پیامبر کاذب اسلام در حال ایجاد شرایطی است که به انتخاب ترامپ به عنوان هشتمین رئیس جمهور، که از آن هفت است، از زمان پایان در ۱۹۸۹، می انجامد، همان گونه که وحش زمین تصویری برای وحش دریا می سازد. فلسفه شیطنانی «تنوع، عدالت و شمول» یکی از بسترها برای بازتولید شورش سدوم و عموره است، با فشارش برای پیشبرد دستورکار LGBTQ+.

همچنین، همان گونه که در روزهای لوط بود؛ می خوردند، می نوشیدند، می خریدند، می فروختند، می کاشتند، می ساختند؛ اما همان روزی که لوط از سدوم بیرون آمد، از آسمان آتش و گوگرد بارید و همه را نابود کرد. همین گونه خواهد بود در روزی که پسر انسان آشکار شود. لوقا ۱۷:۲۸-۳۰.

دستور کار ال جی بی تی کیو+ همچنین به عنوان «افتخار همجنس گرایان» معرفی می شود و از این رو، نشانگر سقوط نهایی اخلاقی هیولای زمین و پس از آن، سقوط جهان است.

شاهراه درستکاران دوری از بدی است؛ هر که راه خود را پاس می دارد، جان خویش را حفظ می کند. غرور پیش از ویرانی می آید و روح متکبر پیش از سقوط. بهتر است با فروتنان، روحی فروتن داشت تا با متکبران غنیمت را تقسیم کرد. امثال ۱۶:۱۷-۱۹

غرور پیش از سقوط می آید و غرور پیش از نابودی می آید. ارتداد ملی به نابودی ملی می انجامد، و نماد غرور جهانی گرایانه، نماد عصیان سدوم و گومورا است. الهام، قانون یکشنبه قریب الوقوع را با ماجرای لوط که به زحمت از نابودی سدوم، گومورا و شهرهای دشت گریخت، هم راستا می کند، زیرا این فرزندان لوط (عمون و موآب) هستند که نماد کسانی اند که در هنگام قانون یکشنبه از دست دستگاه پاپی می گریزند.

او همچنین وارد سرزمین باشکوه خواهد شد، و بسیاری از کشورها سرنگون خواهند شد؛ اما اینان از دست او رهایی خواهند یافت: یعنی ادوم، موآب و بزرگان بنی عمون. دانیال ۱۱:۴۱.

حزب دموکرات اکنون به دست خود از درون فرو می‌پاشد. من به سیاست اهمیتی نمی‌دهم؛ صرفاً تاریخ کنونی را با روایت پیشگویانه تطبیق می‌دهم. حزب دموکرات بی‌وقفه برای گشودن مرزها در سراسر جهان تلاش کرده و بدین ترتیب راه را برای سیل بی‌سابقه و مهارنشده‌ای از مردم باز کرده است. در سراسر کره زمین، دروازه‌های سیل به دست جهانی‌گرایان الهام‌گرفته از اژدها گشوده شده‌اند.

و ما از دهان خود، در پی زن، آبی چون سیلاب بیرون افکند تا او را به وسیله سیلاب ببرد. و زمین به زن کمک کرد، و زمین دهان خود را گشود و سیلابی را که اژدها از دهان خود بیرون افکنده بود فرو برد. و اژدها بر زن خشمگین شد و رفت تا با بازماندگان ذریت او جنگ کند، آنان که احکام خدا را نگاه می‌دارند و شهادت عیسی مسیح را دارند. مکاشفه ۱۵: ۱۲-۱۷.

«بازمانده» همان صد و چهل و چهار هزار نفر است، و تاریخ صد و چهل و چهار هزار نفر تاریخی است که در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز شد. از آن زمان، قدرت اژدها در همه جهات «آب را چون سیلابی از دهانش بیرون می‌ریزد». آب نمایانگر مردم است.

و به من گفت: آب‌هایی که دیدی، که آن فاحشه بر آنها نشسته است، قوم‌ها و جماعت‌ها و امت‌ها و زبان‌ها هستند. مکاشفه ۱۷: ۱۵

این نمایندگان زمینی قدرت اژدها (جهانی‌گرایان) هستند که در زمان مهرگذاری یک‌صد و چهل و چهار هزار، دریچه‌های سد مهاجرت غیرقانونی را می‌گشایند. «سیلاب‌های» اژدها در سراسر جهان نشان می‌دهند که خداوند با فرارسیدن قریب‌الوقوع قانون یکشنبه، در آستانه برافراشتن رایت است. سیلاب‌های اژدها در مکاشفه دوازده، در بدو تأسیس ایالات متحده، به وسیله وحش زمین بلعیده شدند، اما اکنون سیلاب‌های اژدها بازگشته‌اند و بدین سان نسبت به بحران نزدیک قانون یکشنبه هشدار می‌دهند، زیرا آنگاه که دشمن همچون سیل درآید، خداوند رایت خویش را برافرازد.

در سرکشی و دروغ گفتن بر ضد خداوند، و دور شدن از خدای خویش، سخن گفتن از ستم و شورش، و اندیشیدن و از دل بر زبان آوردن سخنان دروغ. و داوری به عقب رانده شده است، و عدالت از دور ایستاده است؛ زیرا راستی در خیابان فرو افتاده و انصاف نمی‌تواند داخل شود. آری، راستی از میان می‌رود؛ و هر که از بدی دوری می‌کند، خود را طعمه می‌سازد؛ و خداوند دید و ناخشنود شد که داوری‌ای نبود. و دید که کسی نبود، و در شگفت شد که شفیع نیست؛ از این رو بازوی او برای او نجات آورد، و عدالت او او را نگاه داشت. زیرا عدالت را چون سینه‌پوش بر تن کرد و کلاه خود نجات را بر سر نهاد؛ و جامه‌های انتقام را برای پوشش پوشید و غیرت را چون ردایی بر خود گرفت. به حسب اعمالشان، همان‌گونه جزا خواهد داد: خشم به خصمانش، مکافات به دشمنانش؛ به جزایر نیز مکافات خواهد رسانید. پس از مغرب نام خداوند را خواهند ترسید، و از طلوع آفتاب، جلال او را. هرگاه دشمن چون سیلاب درآید، روح خداوند بر ضد او علمی برافرازد. و رهایی‌دهنده به صهیون خواهد آمد، و نزد آنان که در یعقوب از تجاوز بازمی‌گردند، خداوند می‌گوید. اما من، این است عهد من با ایشان، خداوند می‌گوید: روح من که بر توست و سخنان من که در دهانت نهاده‌ام، از دهان تو بیرون نخواهد رفت، و نه از دهان نسل تو، و نه از دهان نسل نسل تو، خداوند می‌گوید، از این پس تا ابد. اشعیا ۵۹: ۱۳-۲۱.

آن علمی که هنگام هجوم دشمن چون سیل برافراشته می‌شود، همان لواء است؛ و آن خود نیز در کلام خدا معیاری است. در دوره پیش از قانون قریب‌الوقوع یکشنبه، سیلاب‌های مهاجرت غیرقانونی نشانه‌اند که مهلت فیض در شرف اختتام است. محیطی که اشعیا، هنگامی که از برافراشته شدن علم سخن می‌گوید، توصیف می‌کند، دوره‌ای از بی‌قانونی را بازمی‌نماید؛ زیرا می‌گوید: "داوری به عقب رانده شد و عدالت از دور ایستاد؛ زیرا راستی در کوچه افتاد و انصاف نتوانست داخل شود. آری،

راستی فرو ماند؛ و هر که از شرّ کناره گرفت، خود را طعمه ساخت؛ و خداوند دید و ناخشنود شد که داوری نبود. و دید که مردی نبود و در شگفت شد که شفيعی نبود. "آن هرج و مرجی که به دست مردانی چون جورج سوروس تأمین مالی شده و از سوی سیاستمداران دموکرات نادیده انگاشته شده است، به‌جا توسط خواهر وایت در پیوند با این فراز از اشعیا توصیف شده است.

محاکم قضایی فاسد شده‌اند. حاکمان را میل به کسب منفعت و عشق به لذت‌های شهوانی برانگیخته می‌کند. بی‌اعتدالی قوای بسیاری را تیره ساخته است تا جایی که شیطان تقریباً به‌طور کامل بر آنان مسلط شده است. قاضیان منحرف، رشوه‌خوار و فریب‌خورده‌اند. مستی و عیاشی، شهوت، حسد، و بی‌صداقتی از هر نوعی، در میان کسانی که قوانین را اجرا می‌کنند دیده می‌شود. «عدالت از دور ایستاده است، زیرا حقیقت در کوچه افتاده و دادگری راه نمی‌یابد.» اشعیا ۵۹:۱۴. نبرد عظیم، ۵۸۶.

مهاجرت غیرقانونی، جنبش‌های آنا‌رشیستی مانند آنتیفا (ضد فاشیست‌ها)، و جنبش‌های خشونت‌آمیز مانند «جان سپاهان مهم است» که بر روایتی تاریخی فاسدی چون نظریه نژاد انتقادی بنا شده‌اند، از سوی حاکمان سیاسی اژدها که عشق مال آنان را برانگیخته است، حمایت و ترویج شده‌اند، و دادگاه‌ها و قضات فاسد حقیقت را به همان خیابانی افکنده‌اند که دو شاهد در فصل یازدهم مکاشفه در آن به قتل رسیدند. آن خیابان در شهر بی‌دینی (مصر) و فساد اخلاقی (سدوم) بود که شهر اژدها و نمایندگان اوست. فضایی که از ثمرات حزب دموکرات پدیدار می‌شود، به‌طور نبوی همچون سیلی تصویر شده است، و هنگامی که شیطان، به‌عنوان دشمن خدا، دریچه‌های سیلاب خود را می‌گشاید، این نشانه آن است که علم خدا در شرف برافراشته شدن است.

ما این مطالعه را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

وضع جهان نشان می‌دهد که زمانه‌ای پرآشوب درست بر ما سایه افکنده است. روزنامه‌ها آکنده از نشانه‌های نبردی هولناک در آینده نزدیک‌اند. دزدی‌های جسورانه به‌کرات رخ می‌دهد. اعتصاب‌ها رایج‌اند. سرقت‌ها و قتل‌ها از هر سو رخ می‌دهند. افراد دیورده جان مردان، زنان و کودکان خردسال را می‌ستانند. آدمیان شیفته رذیلت شده‌اند و هر گونه شرارتی رواج دارد. دشمن در تحریف عدالت و پر کردن دل‌های مردم از حرص منفعت‌طلبی کامیاب شده است. «عدالت از دور ایستاده است، زیرا راستی در کوچه فرو افتاده، و انصاف نمی‌تواند داخل شود.» اشعیا ۵۹:۱۴. در شهرهای بزرگ، انبوهی از مردم در فقر و درماندگی زندگی می‌کنند و تقریباً از خوراک، سرپناه و پوشاک محروم‌اند؛ حال آنکه در همان شهرها کسانی هستند که بیش از آنچه دل بخواهد دارند و به‌ناز و نعمت می‌زیند؛ پول خود را صرف خانه‌های مجلل و پرزرق‌وبرق، آرایش و زیورهای شخصی، و بدتر از آن، صرف ارضای خواهش‌های نفسانی، مشروبات الکلی، دخانیات و چیزهای دیگری می‌کنند که توان مغز را تباه می‌سازد، ذهن را از تعادل می‌اندازد و روح را پست می‌کند. فریادهای انسان گرسنه به حضور خدا بالا می‌رود، در حالی که مردم با هرگونه ستم و اخاذی ثروت‌های عظیم بر هم می‌انبارند.

در شب‌هنگام فراخوانده شدم تا ساختمان‌هایی را ببینم که طبقه بر طبقه به سوی آسمان بالا می‌رفتند. ضمانت داده می‌شد که این ساختمان‌ها ضدحریق‌اند و آنها را برای تمجید مالکان و سازندگان‌شان برپا شده بودند. این ساختمان‌ها بالاتر و باز هم بالاتر قد می‌کشیدند و در آنها گرانبهارترین مصالح به کار رفته بود. کسانی که این ساختمان‌ها به آنان تعلق داشت، از خود نمی‌پرسیدند: «چگونه می‌توانیم به بهترین شکل خدا را تمجید کنیم؟» خداوند در اندیشه‌هایشان نبود.

همزمان با برپا شدن این ساختمان‌های رفیع، مالکانشان با غرور جاه‌طلبانه شادمان بودند که پولی دارند تا آن را صرف ارضای نفس و برانگیختن حسادت همسایگان کنند. بخش بزرگی از پولی که

بدین‌سان سرمایه‌گذاری کردند از راه اخاذی، از راه ستم بر تهیدستان به دست آمده بود. آنان فراموش کردند که در آسمان حساب هر معامله‌ای نگه داشته می‌شود؛ هر معامله ناعادلانه، هر عمل فریبکارانه، همان‌جا ثبت است. زمانی فرا می‌رسد که مردم در تقلب و گستاخی به نقطه‌ای می‌رسند که خداوند اجازه نمی‌دهد از آن فراتر روند، و خواهند دانست که بردباری یهوه حدی دارد.

"صحنهٔ بعدی که پیش چشم گذشت، هشدار آتش‌سوزی بود. مردم به ساختمان‌های بلند و به اصطلاح ضدحریق نگاه کردند و گفتند: «آنها کاملاً ایمن هستند.» اما این ساختمان‌ها چنان طعمهٔ آتش شدند که گویی از قیر ساخته شده بودند. ماشین‌های آتش‌نشانی نمی‌توانستند کاری برای متوقف کردن این ویرانی انجام دهند. آتش‌نشانان نتوانستند دستگاه‌ها را به کار بیندازند." شهادت، جلد ۹، ۱۲، ۱۳.